

تحولات مفهومی منظر



امین حبیبی
پژوهشگر دکتری معماری

به دلیل آغاز دیر هنگام معماری منظر، این مفهوم در جامعه ایران با نوعی سطحی‌نگری و بی‌مبالاتی در تعاریف علمی مواجه بوده است (منصوری، ۱۳۸۳). امروزه یکی از مشکلاتی که متخصصین منظر، طراحان شهری و معماران با آن دست به‌گریبان هستند، مفهوم منظر و تعاریف متعدد، پیچیده، چند لایه و بعضاً غلطی است که از این واژه به عمل می‌آید. تصور عامیانه منظر را

در حد علمی برای تزیین محیط تلقی می‌کند. در این تصور، منظر در حد کاشت گل و گیاه، ساخت آب‌نما و ... تنزل می‌یابد.

بازشناخت تعاریف و ریشه‌های به وجود آورنده این مفهوم، مانع از کج‌فهمی یا برداشتهای نادرست از مفهوم منظر است. تعاریف نوین از منظر اصلاح دیدگاه‌ها و روش‌های عامیانه را ضروری می‌سازد. این نوشتار تلاش دارد تا با ارائه تعاریف متعدد اما مرتبط در یک سیر هدفمند به‌اکاوی مفهوم منظر بپردازد، با این دیدگاه که منظر تنها یک واژه نیست بلکه مفهومی است جامع که می‌تواند راهی برای شناخت ساختار زندگی مردم دنیا باشد.

بررسی واژه منظر

واژه‌های چشم‌انداز و دورنما به عنوان معادل‌های منظر در فارسی به کار برده شده که با تعریف عامیانه آن سازگار است. معنای «نگاه حکیمانه» در لغت منظر، آن را بر واژه چشم‌انداز برتری می‌دهد؛ منظر نه فقط آن‌چه که دیده می‌شود، هست، بلکه محصول درک و تجربه ماز فضا است ... اهل نظر و نظر به‌پردازی ترکیباتی از این ریشه هستند که عمق معنای نظر را آشکار می‌کنند (منصوری، ۱۳۸۳).

منظر از جمله اسامی دوگانه در ادبیات فارسی است که هم اسم فاعل است به معنی نظر‌گاہ و هم اسم مفعول است به معنی مورد نظر، که نکته بسیار مهم در فهم معنای آن و دلیلی بر گستردگی معنایی و عمق واژه منظر است.

در زبان انگلیسی منظر به معنای «landscape» از دو واژه «land» و «scape» و پسوند «scape» تشکیل شده است.

در مواردی که منظر به‌عنوان کلمه به‌کاررفته به بخشی از زمین که قابل درک بوده و دارای کاراکتری طبیعی یا روستایی است یا در حومه‌هایی که توازن بین نظم طبیعی و سازماندهی انسانی سرزمینی به آسانی قابل تشخیص باشد اطلاق می‌شود.

هرگاه «landscape» به عنوان فعل به کار رفته است غالباً به زیبایی‌شناسی زمین اشاره دارد. شکل‌گیری کلمات ترکیبی نظیر «city-scape»، «town-scape» «sea-scape»، و نظایر آن در ادبیات و تحقیقات اولیه، با توجه به وجه زیبایی‌ظاهری منظر بوده است.

منظر (landscape) و زمین (land) هم‌معنی نیستند. زمین به خاک و بستر طبیعی آن اشاره دارد (Zonnereid, 1995)، حتی زمانی که به مالکیت یا کیفیت چیزی می‌پردازد. حال آن‌که منظر به مثابه یک میراث مشترک و یک هویت جمعی است (Lowenthal, 1997).

منظر دارای ویژگی‌های متعددی است، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعای مالکیت آن را داشته باشد. اگر چه این نگرانی که مسئول حفاظت از منظر کیست به ذهن‌خطور می‌کند (Antrop, 2000).

ریشه لغوی منظر فقط به حومه‌های شهری یا دهکده‌های زیبا و طبیعت بر نمی‌شود بلکه یک مالکیت جمعی سرزمینی را نیز در بر دارد (Keisteri, 1990; Groth, 1997).

پسوندها «scape» در انگلیسی یا «schap» در زبان هلندی به خلق کردن، شکل‌دادن و ویژگی‌دادن به زمین و یک منطقه اشاره دارد. در زبان فرانسه نیز کلمه «paysage» معادل کلمه منظر است که «pays» به زمینی با هویتی اصیل اشاره دارد و با کلمه «terre» که به معنای زمین (خاک و بستر طبیعی آن) برمی‌شود، متفاوت است.

سیر تحول تعاریف منظر

اولین بار لغت منظر (Landschap) در اواخر قرن ۱۵ میلادی به زبان هلندی برای مشخص کردن یک تابلو نقاشی به کار برده شد (منصوری، ۱۳۸۳).

کاربرد مدرن مفهوم منظر با تغییرات بزرگ قرن ۱۹ میلادی در سطح دنیا همراه بود. انقلاب فرانسه و تأثیر آن بر سایر کشورهای اروپایی به همراه انقلاب صنعتی تغییرات گسترده و سریع در ساختار سیاسی و اجتماعی این کشورها و سپس سایر نقاط دنیا داشت. با بروز انقلاب صنعتی میزان تغییرات در منظر افزایش یافت. امروزه هر کدام از ما در محیط و مناظری متفاوت با گذشته زندگی می‌کنیم. تغییر در الگوهای حرکتی و رشد شهرنشینی و شهرسازی، جهانی شدن و جهانی‌سازی، نیروهای محرکه قدرتمندی در تغییرات منظر بوده و هستند.

حال آن‌که تغییرات گذشته در منظر به صورت سنتی، آرام، با ثبات و در واقع پایدار بود. گذشتگان و نیاکان ما در چنین مناظری می‌زیستند و در مورد چنین مناظری سخن می‌گفتند. منظر منبعی ثابت و قابل اتکاء در زندگی آن‌ها به شمار می‌رفت.

«هاسکینز» (Hoskins) در کتاب «شکل‌گیری منظر بریتانیا» (۱۹۵۳) و ریموند ویلیامز (Raymond Williams) در کتاب «در کشور و در شهر» (۱۹۷۳) روایت‌های شخصی و احساساتی قوی در بیان سرزمین مادری با تجربیاتی تخیلی بیان می‌کنند.

در ادامه «کاسگروف» (Cosgrove, 1988) بر تجربیات منظر آشنا (familiar landscape) متمرکز شد. وی گزارشات را بر مبنای فرهنگ و سمبولیزم در منظر در مراکز محلی شهرهای کوچک پی‌ریزی کرد.

این موضوعات سبب دست‌یابی به نظریه مناظر روزمره (everyday lan -scape) شد که نهایتاً به خلق واژه‌ای تحت عنوان منظر بومی (vernacular landscape) توسط جکسون (J.B. Jackson, 1984) انجامید.

آن‌چه که متفکرین بر آن اتفاق نظر دارند، این است که منظر بومی تجسم دانش مردم دنیا است. این نوع دانش در بسیاری از کشورها برای جلوگیری از اثرات سوء جهانی شدن اقتصاد و تکنولوژی به کار رفته است (Relph, 1987). چراکه منظر بومی معرف هویت محلی مکان‌ها و جوامع است (Seamon, 1993).

مطالعه جکسون تأکید می‌کند که دانش روزمره بشری که در معماری بومی تجسم یافته، در زندگی روزمره انسان‌ها بسترسازی شده و نه در مصنوعات اطرافشان. این نمونه منظر چیزی برای دیدن نیست بلکه ماهیتی است برای زیستن (Jackson, 1984: 35).

وی در مورد حس مکان می‌گوید: من اعتقاد دارم که بیشتر مردم حس مکان را تنها با دیدن بناهای معماری و یا یادمان‌ها به دست نمی‌آورند بلکه برخی اتفاقات روزانه، هفتگی یا فصلی که برایمان اتفاق می‌افتد، به خاطر می‌آوریم، یا آن‌چه که با دیگران به اشتراک می‌گذاریم بسیار بیشتر از عناصر فیزیکی اطراف مکان‌ساز است. او اعتقاد دارد که مهم‌ترین عامل تشخیص کیفیت منظر، مکانی است که در آن زندگی می‌کنیم. این، حس ما در ارتباط با زمان است که در یک بازه طولانی را نسبت به مکان و جامعه ساخته می‌شود (Jackson, 1994: 159-60).

خصوصیات و الگوهای موجود در منظر در وجود ما حسی قوی را خلق می کند چراکه ما تاریخ را با آن تقسیم می کنیم (lowenthal, 1985). «باربارا بندر» نمونه‌های موردی بسیاری را از سراسر دنیا گردآوری کرده که نشان می‌دهد جوامع محلی چگونه با استفاده از منظر بومی دنیای خود را شناخته اند (Barbara bender, 1993). اما تعریفی که در کنوانسیون منظر اروپا مطرح شد حوزه تعریف منظر را گسترده تر کرد:

"منظر به مفهوم ناحیه‌ای است که توسط مردم درک می‌شود، منطقی‌های که ویژگی‌های آن ناشی از تعامل مولفه‌های انسانی و طبیعی است و طبیعت، مناطق شهری، روستایی و حومه‌های شهری را در بر می‌گیرد. منظر سرزمین، رودها و دریاها را شامل می‌شود. این مطلب می‌تواند شامل مناظری که باید تحت حمایت یا باز زنده‌سازی و مراقبت قرار گیرند، مناظر عادی و روزمره و حتی مناظری که چهره‌ای نه چندان مطلوب دارند، نیز شود" (Council of Europe, 2000). بنابراین منظر تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی دارد و نباید آن را به اقتصاد یا تصمیمات صرفاً حرفه‌ای واگذار کرد. زیرا بین الگو و فرایندهای سازنده زمین، ادراک ما از آن‌ها و پیوند دائمی با زیبایی از تباطوستمبمی وجود دارد که جنبه‌های فیزیکی زمین را به جنبه‌های ادراکی منظر تبدیل می‌کند (بل، ۱۳۸۶: ۹۱). منظر یک فهم با اهمیت و قابل استفاده از دانش فراموش شده بشری است (Austad, 2000). فهم و شناخت این مناظر برای حفاظت از آن‌ها و استفاده در طراحی ضروری است (Fry&Sarlov herlin, 1995).

همان‌طور که دیده می‌شود سخن مشترک غالب نوشته‌های معاصر بر این نکته که منظر راه موثری را برای شناخت جهان هموار می‌کند، تأکید دارد. این مسئله چارچوبی مفهومی از محیطی که در آن زندگی می‌کنیم، فراهم می‌کند، محیطی که ما در آن چیزی را که می‌بینیم آنالیز کرده و سپس حس می‌کنیم... همچنین منظر پایه‌ای سیستماتیک را برای فهم الگوهای فضایی-مکانی، فرایندهایی که در اطرافمان می‌بینیم و راهی که مردم محیط را با خواسته‌ها و نیازهایشان هم‌سو می‌کند بنا می‌نهد؛ بنابراین فهم منظر فضای اندیشیدن به محیط را از طرق گوناگون، فراهم می‌کند (swaffield, 2005: 12).

جمع بندی

دلبستگی بشر به منظر و چگونگی یافتن هویت بشری در مناظر و مکان‌های یکی از عمیق ترین نیازهای انسان برای احساس هویت و تعلق به مکان است. بنابراین منظر تنها آن چه که می‌بینیم نیست، بلکه طریقی است برای دیدن. ما با چشم‌هایمان اطراف را می‌بینیم اما تفسیر آن با ذهن و نسبت دادن ارزش‌ها به منظر به دلایل نامحسوس و معنوی است. پس باید توجه بیشتری به معانی و مفاهیم چندگانه و چندلایه منظر داشته باشیم چراکه ذات منظر را شناخت دنیای اطراف و کشف زنجیره‌های وسیع ساختارهای فرهنگی و فرایندهای مرتبط با آن، را دربردارد و ما اکنون می‌توانیم مطالعه منظر را جایگزین مباحثات فرهنگی و اجتماعی نماییم (cosgrove, 1984 : 15).

منظر می‌تواند به عنوان یک ساختار که در آن احساس ما از مکان و خاطراتمان ماندگاری و پایداری ذهنی دارد، دیده شود.

گذشته و خاطرات ذهنی بر پایه ذهنیات کنونی ما ثبت می‌شود اما ایستا و ثابت نیست بلکه تغییر می‌کند و عوض می‌شود. منظر نیز تغییر می‌کند ولی بسیار آهسته این موضوع زنجیره‌های حیاتی است بین آن چه که ما بوده‌ایم و آن چه که خواهیم شد. این یکی از دلایلی است که ما درک عمیق و همراه با غم و اندوه را در زمان از دست‌دادن یک منظر خاطر‌انگیز داریم. ما فقط مکان آن منظر را از دست نمی‌دهیم بلکه خودمان را و تداوم بین تغییرات ادوار گوناگون زندگی را نیز از دست می‌دهیم. بنابراین مشاهده می‌شود که هویت فیزیکی قابل لمس و هویت غیر مادی بسته

به تعریف ما از زندگی‌ای که در این جهان داریم و تجربیات بشری، غیر قابل تفکیک هستند. این دو، شکل‌دهنده معنی مکان و مشخصه‌ای برای مردم با نمادها، تصاویر و مناظرند. منظر دیگر فقط به حومه شهر، روستای سنتی یا به طبیعت تماشایی بر نمی‌شود. سازماندهی دقیق زمین برای سازگاری با نیازهای اجتماعی و با توجه به تغییرات سریع محیطی جزئی از عملکردهای نوین منظر است.

منظر در دنیای امروز به عنوان مجموعه‌ای از علوم و به تعبیری «*knowledge*» است و نه «*science*»، چراکه موجودی پویا متصور می‌شود که از یک سو متأثر از انسان و نحوه زیست‌اوست و از سوی دیگر با شکل خود و تداعی خاطراتی که در زمان‌های طولانی بر بستر آن روی داده است بر تمدن، فرهنگ و نوع زیست آدمیان اثر می‌گذارد.

توانایی منظر در ایجاد حسی قوی در آن چه که به ما تعلق دارد از لذت زیبایی‌شناختی و از شگفتی در پیچیدگی اکولوژیک همچنین در بیان ارتباط بین جوامع است (swaffield, 2005: 6).

بنابراین منظر تغییر شکلی دوباره به دنیا داده است؛ نه تنها به واسطه ویژگی‌های فیزیکی و تجربی‌اش بلکه به دلیل مضمون روشن و ظرفیت بالا در بیان ایده‌ها و به کارگماشتن ذهنیت. علاوه بر این‌ها منظر به دلیل بزرگی در مقیاس و قلمرو، به مثابه استعاره‌ای برای یک جامعیت چندگانه و تکثرگرا و به مثابه ترکیبی جامع و مانع که سبب تمام‌شدن تفاوت‌ها می‌شود، مطرح است (James corner, 1999: 1-2).

منابع

بل، سایمون. (۱۳۸۲) منظر، الگو، ادراک، فرآیند، ترجمه بهناز امین‌زاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

منصوری، سیدامیر (۱۳۸۲) درآمدی بر شناخت معماری منظر، فصلنامه باغ نظر، شماره ۲، تهران.

- Bender, Barbara (1993) *Landscape—Meaning and Action*. In: B.Bender (ed.) *Landscape: Politics and Perspectives*, pp. 1-17. Providence and Oxford.
- Corner, James (1999) *recovering landscapes*, Princeton Architectural Press.
- Cosgrove, Dennis and Stephen Daniels (eds) (1988) *The Iconography of Landscape*. Cambridge University Press.
- Council of europ(2000) *the European landscape convention*, http://www.coe.int/t/dg4/cultureheritage/conventions/landscape/default_en.asp.no-vember 16, 2008.
- Fry and I. Sarlov Herlin(1995) *Landscape design: how do we incorporate ecological cultural and aesthetic values in landscape*, landscape and urban planning.
- Hobbs R(1997) *Future landscapes and the future of landscape ecology*. Landscape and Urban Planning vol 37, p13.
- Hoskins, making the English landscape (1953) *Leicester*. j.B.jackson, Discovering the Vernacular Landscape (1984) *Yale University Press*.
- j.B.jackson, A Sense of Place a Sense of Time (1994) *Yale University Press*.
- Keisteri.T(1990) *The study of change in cultural landscapes*. pp. 31-115.
- Lowenthal, D.(1985) *The Past is a Foreign Country. In.* , Cambridge University Press, Cambridge, p. 168.
- Lowenthal, David(1997) *Past Time, Present Place*. Landscape and Memory, geographical Review, University Park: The Pennsylvania State University Press.
- Ralph Edward(1987)*The Modern Urban Landscape*., Johns Hopkins Univ Press.
- Seamon, Nogue i Font, J.. (1993) *Toward a phenomenology of landscape and landscape experience*, pp. 271-297. Albany, NY: SUNY Press.
- Swaffield, S.R.(2005) *Landscape as a way of knowing the world*. Chapter One in Harvey, S and FieldhouseK (eds) designing the environment in the 21st century. Abingdon, Oxon, UK; Routledge, pp 3-24.
- Williams, Raymond(1973)*the country and the city*. Chatto and Windus press.
- Zonneveld IS (1995) *Land ecology*. SPB Academic Publishing, Amsterdam.